

رابطه حرمت خود جمعی و هویت ملی در دانشجویان

Relationship between collective self-esteem and national identity in university students

M. Shafiee Tabar: PhD student in Psychology
M.A. Mazaheri: Associate Professor, Shahid Beheshti University
A. Anari: MA. Jahad danshgahi, Tarbiat Moallem University
E-mail: asiehanari@yahoo.com
E. Melhi: MA student in Psychology

مهدیه شفیعی تبار: دانشجوی دکتری روان شناسی دانشگاه شهیدبهشتی
محمدعلی مظاهری: دانشیار دانشگاه شهیدبهشتی
آسیه اناری: مربی جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم
الناز ملحی: دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه شهیدبهشتی

Abstract

Aim: The present study was designed to investigate the direction and intensity of the relationship between collective self-esteem and national identity. **Method:** A correlational design was used. 225 female and 195 male undergraduate students in Arak University were selected via multistage sampling from four faculties and completed the Luhtahen and Crocker Collective Self-esteem Scale (Luhtahen and Crocker, 1992) and the National Identity and Deny National Identity (Rahiminejad & Ahmadi, 1995). **Results:** Results showed that there was a positive significant relationship between collective self-esteem and national identity. However there was a negative significant relationship between deny national identity and collective self-esteem. In addition there was a positive significant relationship between private self-esteem subscale and national identity and a negative significant relation between deny national identity and private self esteem subscale. **Conclusion:** Findings showed increasing national identity can increase collective self esteem and therefore improve psychological well being.

Key words: *Collective self-esteem, National identity, Students*

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین جهت و شدت رابطه حرمت خود جمعی و احساس هویت ملی است. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه اراک بود. ۲۲۵ دختر و ۱۹۵ پسر دانشجوی کارشناسی دانشگاه اراک به روش نمونه گیری خوشه‌ای از ۴ دانشکده انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های مقیاس حرمت خود جمعی لاهتان و کراکر (۱۹۹۲) و پرسشنامه هویت ملی و نفی هویت ملی (۱۳۷۴) پاسخ دادند. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد رابطه بین هویت ملی و حرمت خود جمعی مثبت و معنادار و رابطه میان نفی هویت ملی و حرمت خودجمعی منفی و معنادار است. افزون بر این، رابطه هویت ملی با خردهمقیاس حرمت خود خصوصی نیز مثبت و معنادار و رابطه میان نفی هویت ملی و خردهمقیاس‌های حرمت خود خصوصی و هویت منفی و معنادار بود. **نتیجه‌گیری:** با افزایش هویت ملی، می‌توان حرمت خودجمعی و در نتیجه احساس بهزیستی روان‌شناختی را افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: *حرمت خودجمعی، دانشجویان، هویت ملی.*

حرمت خود شخصی از پذیرش اجتماعی و موفقیت‌های فردی ساخته می‌شود (جتن، برنسکامب و اسپیرز^۱، ۲۰۰۲)، اما اصطلاح حرمت خود جمعی^۲ که برای اولین بار توسط کراکر و لاهتانن^۳ (۱۹۹۰ نقل از لی^۴، ۲۰۰۶) مطرح شد به ارزیابی کلی و فردی از خود، به عنوان عضو گروه یا طبقه اجتماعی خاصی، اطلاق می‌شود. ادراک فرد از لیاقت خود برای عضویت در گروه، ارزشی که فرد به این عضویت می‌دهد و احترامی که جامعه برای یک گروه یا طبقه خاص قائل است؛ مؤلفه‌های حرمت خود جمعی یک فرد به شمار می‌روند. (لی، ۲۰۰۶) پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این مؤلفه‌ها می‌توانند بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سیاسی تأثیر متفاوتی در احساس بهزیستی روان‌شناختی^۵ بر جای بگذارند (بیلیز و چیپرفیلد^۶، ۲۰۰۲). افزون بر این، حرمت خود جمعی با احساس بهزیستی روان‌شناختی و حرمت خود شخصی رابطه مثبت دارد (کانستانتین، دونلی و میر^۷، ۲۰۰۲).

از این‌رو، به نظر می‌رسد حرمت خود جمعی جنبه‌ای از یکپارچگی اجتماعی را توصیف می‌کند که هم موجز و خلاصه و شامل انواع گروه‌ها و هم کارکردی است و بر احساس بهزیستی تأثیر می‌گذارد (بیلیز، چیپرفیلد و هلگاسون^۸، ۲۰۰۸). در مجموع حرمت خود جمعی عبارت از ارزشی است که شخص برای گروه اجتماعی خود قائل است (لی، ۲۰۰۶). پژوهشگران نشان داده‌اند که میزان حرمت خود جمعی می‌تواند بر سلامت جسمانی و روان‌شناختی در دوران کهنسالی و میان‌سالی مؤثر واقع شود (لوی، اسلید و کاسل^۹، ۲۰۰۲). همان‌گونه که سیمن^{۱۰} (۲۰۰۷) عنوان نموده‌اند؛ حس تأیید شدن و تعلق داشتن به یک گروه قومی یا دیگر نظام‌های حمایتی منجر به افزایش حرمت خود جمعی و احساس بهزیستی خواهد شد. مطالعات (به عنوان مثال؛ اویشی و دینر^{۱۱}، ۲۰۰۱؛ دینر، اویشی و لوکاس^{۱۲}، ۲۰۰۳) نشان می‌دهند سطح حرمت خود با احساس بهزیستی همبستگی مثبت دارد. این مسئله به‌ویژه در

-
1. Jetten, Branscombe & Spears
 2. Collective self-esteem
 3. Crocker & Luhtanen
 4. Lee
 5. Psychological well-being
 6. Bailis & Chipperfield
 7. Constantine, Donnelly & Meyers
 8. Helgason
 9. Levy, Slade & Kasl
 10. Semaan
 11. Oishi & Diener
 12. Lucas

فرهنگ‌های آسیایی مورد تأیید است و تأثیر حرمت خود در فرهنگ‌های جمع‌گرا^۱ با فرهنگ‌های فردگرا^۲ متفاوت است. به نظر می‌رسد مفهوم حرمت خود جمعی در بررسی فرهنگ‌های آسیایی - که بر جمع‌گرایی تکیه دارند- بهتر از بررسی مفهوم خود شخصی، مفید فایده واقع می‌شود (لی، ۲۰۰۶). تاجفل^۳ (۱۹۸۱) در نظریهٔ هویت اجتماعی^۴ خود این مسئله را مطرح نمود که هویت دو مؤلفه دارد؛ هویت شخصی^۵ و هویت گروهی^۶. هویت فردی ادراک شخص از نگرش‌ها، توانایی‌ها، استعدادها و جز آن است (جتن و همکاران، ۲۰۰۲). اما هویت اجتماعی نشان‌دهندهٔ ادراک فرد از گروه‌های اجتماعی است که در آن عضویت دارد (لی، ۲۰۰۶). لاهتانن و کراکر (۱۹۹۲) نقل از لی، ۲۰۰۶) از مفهوم هویت اجتماعی استفاده کردند و آن را به نوعی به هویت جمعی که به معنی زمینه‌های مذهبی، تاریخی، قومی و نژادی افراد است، مرتبط دانستند.

بر این اساس می‌توان سه مؤلفهٔ هویت را این چنین تعریف نمود: هویت خود، هویت اجتماعی و هویت جمعی. از این رو، احساس ارزشمندی نسبت به خود، حرمت خود و احساس ارزشمندی نسبت به گروهی که فرد در آن عضویت دارد، تشکیل‌دهندهٔ حرمت خود جمعی است. بر اساس آنچه مطرح شد کراکر (۱۹۹۲) مقیاس حرمت خود جمعی را ساخت که دیدگاه فرد نسبت به گروه‌های اجتماعی و ارزشمندی عضویت خود در این گروه‌ها را می‌سنجد.

سطوح بالای حرمت خود جمعی با سطوح پایین افسردگی و ناامیدی رابطهٔ منفی دارد (کراکر، لاهتانن، بلین و برودنکس^۷، ۱۹۹۴). همچنین نمرهٔ بالای حرمت خود جمعی با وفاداری بیشتر به فرهنگ خود در میان مهاجران - به‌ویژه آسیایی‌ها- همراه بوده است (لی، ۲۰۰۶). از این رو، هویت یکی از مفاهیمی است که از جنبه‌های مختلف با حرمت خود جمعی و حرمت خود شخصی مرتبط است (جتن و همکاران، ۲۰۰۲).

هویت ملی، مفهومی است که اخیراً مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. رونبرگ^۸ (۲۰۰۰)، هویت ملی را یکی از اشکال هویت گروهی می‌داند. او ملیت را ارزش قابل توجهی به شمار می‌آورد که هویت ملی را می‌سازد. احساس هویت ملی با درک علاقه ملی و امنیت ملی در مقایسه با سایر ملیت‌ها، ایجاد می‌شود. بوکووانسکی^۹ (۱۹۹۷) معتقد است این اصطلاح ابتدا در

1. Individualistic
2. Collectivistic
3. Tajfel
4. social identity theory
5. personal identity
6. social identity
7. Blaine & Broadnax
8. Revenburg.
9. Bukovansky

رابطه حرمت خود جمعی و هویت ملی در دانشجویان

میان روان‌شناسان اسپانیایی زبان توسط کلمن^۱ در ۱۹۸۳ مطرح شد. کلمن برای هویت ملی، ماهیت فرهنگی و قومی قائل شده و به آن بار سیاسی نیز می‌دهد. مونتر^۲ نیز در سال ۱۹۸۴ در تعریف هویت ملی به تعلق افراد به گروهی که دارای سرزمین، تاریخ و عناصر اجتماعی فرهنگی مشترک هستند، اشاره می‌کند. بر اساس دیدگاه ناوارو و کاپلو^۳ (۱۹۸۶)، نقل از رحیمی نژاد و منصور، (۱۳۸۰) هویت ملی عبارت است از میزان تعلق یک شهروند به نهادهای اجتماعی که به عنوان عناصر ارزشمند و مهم یک نظام ملی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) محسوب می‌شوند. در مجموع، هویت ملی مربوط به ریشه‌های مشترکی از تاریخ، سرزمین، تابعیت دولتی، سنن فرهنگی، زبان رسمی و مصالح است (تیرنی^۴، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند هر چه سطح هویت ملی افزایش یابد، حرمت خود، هدف زندگی و اعتماد به خود نیز افزایش می‌یابد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). احساس کلی هویت با حرمت خود (تسی، یینگ^۵ و لی، ۲۰۰۱) و رضایت از زندگی (به عنوان مثال؛ بتنکورت، چارلتون، ایوبنکس، کرنان^۶، ۱۹۹۹؛ کونستانتین، دونلی^۷ و میرز، ۲۰۰۲؛ زانگ و لنگ^۸، ۲۰۰۲)، رابطه مثبت دارد. رحیمی نژاد و منصور (۱۳۸۰) در پژوهشی، سطح بالای هویت ملی را با حرمت خود بالا و میزان اضطراب کمتر در دانشجویان ایرانی مرتبط یافتند. در این مطالعه نیز با تاکید بر افزایش گستره دانش نظری با هدف دستیابی به رابطه هویت ملی و حرمت خود جمعی متغیرهای هویت ملی و حرمت خود جمعی در دانشجویان دختر و پسر بررسی شد تا به این سوال پاسخ دهیم: آیا هویت ملی و حرمت خود دانشجویان رابطه معناداری با یکدیگر دارد؟

روش

این پژوهش از نوع طرح‌های همبستگی است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در جامعه کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه اراک انجام شد. در نمونه‌گیری خوشه‌ای واحد اندازه‌گیری فرد نیست، بلکه گروهی از افراد است. این روش هنگامی به کار گرفته می‌شود که جامعه مورد نظر نامحدود، وسیع و گسترده باشد و انتخاب گروهی از اعضای امکان‌پذیرتر و آسان‌تر از انتخاب اعضای جامعه باشد. به عبارت دیگر، از نمونه‌گیری خوشه‌ای زمانی استفاده می‌شود که

1. Kolman
2. Montro
3. Navaro & Cappello
4. Tierney, S.
5. Tasi & Ying
6. Bettencourt, Charlton, Eubanks & Kernan
7. Constantine & Donnelly
8. Zhang & Leung

لیست افراد جامعه و تعداد آن در دسترس نباشد (حسن زاده، ۱۳۸۷). بنابراین از ۴ دانشکده علوم انسانی، پزشکی، فنی و مهندسی و علوم پایه ۳ یا ۴ کلاس به تصادف، در مجموع ۴۲۰ نفر (شامل ۲۲۵ زن و ۱۹۵ مرد) انتخاب شد.

ابزار پژوهش

۱. مقیاس حرمت خود جمعی لاهتانی و کراکر^۱. این مقیاس پرسشنامه‌ای ۱۶ سؤالی است که هر سؤال در مقیاس لیکرت از ۱ = بسیار مخالف تا ۷ = بسیار موافق درجه‌بندی می‌شود. حداقل نمره در این مقیاس ۱۶ و حداکثر ۱۲ است (لاहतانن و کراکر، ۱۹۹۲). این مقیاس چهار خرده‌مقیاس دارد: ۱. عضویت: که شخصی‌ترین جنبه این مقیاس است و قضاوت افراد از ارزشمندی یا مفید بودن عضویت در گروه‌های اجتماعی را برآورد می‌کند؛ ۲. حرمت خود جمعی خصوصی: باورهای فرد نسبت به گروه‌هایشان را و احساسات و ارزیابی‌های اشخاص به عنوان بخشی از گروه‌های متعدد را نشان می‌دهد؛ ۳. حرمت خود جمعی عمومی: به قضاوت فرد در مورد ارزیابی دیگران از میزان ارزشمندی گروه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود؛ ۴. هویت: اهمیت عضویت در گروه اجتماعی و تأثیر آن بر تصور از خود و اهمیتی را منعکس می‌کند که فرد بعد از عضویت در گروه برای خود متصور است. لازم به ذکر است هر خرده‌مقیاس ۴ سؤال دارد. سازندگان آزمون (لاहतانن و کراکر، ۱۹۹۲) پایایی^۲ خرده‌مقیاس‌ها را از ۰/۷۳ برای خرده‌مقیاس عضویت تا ۰/۸۰ برای خرده‌مقیاس عمومی برآورد کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ کلی نیز ۰/۸۵ گزارش شده است. پایایی آزمون در روش آزمون- بازآزمون پس از ۶ هفته به شرح زیر بود: نمره کلی $I=0/68$ ؛ خرده‌مقیاس خصوصی $I=0/62$ ؛ خرده‌مقیاس هویت $I=0/68$ ؛ خرده‌مقیاس عضویت $I=0/58$ و خرده‌مقیاس عمومی $I=0/66$. بنابراین هم آلفای کرونباخ و هم آزمون- بازآزمون میزان پایایی قابل ملاحظه‌ای را برای آزمون مذکور نشان دادند. لاهتانی و کراکر (۱۹۹۲) ضریب همبستگی متوسطی ($I=0/36$) را بین مقیاس حرمت خود جمعی و مقیاس حرمت خود روزنبرگ گزارش کرده‌اند و زیر مقیاس عضویت در مقیاس حرمت خود جمعی بیشترین همبستگی را با مقیاس حرمت خود روزنبرگ نشان داد (۰/۴۲). به علاوه این مقیاس با ابزارهای متمرکز بر گروه از قبیل جمع‌گرایی- فردگرایی همبستگی متوسطی را (۰/۳۴) نشان داد. همچنین آن‌ها روایی^۳ مقیاس حرمت خود جمعی را با توجه به قدرت پیش‌بینی‌کننده رفتارهای فرد در یک گروه، برآورد کردند و به نتایج قابل توجهی دست یافتند. پایایی این آزمون در این پژوهش ۰/۸۷ به‌دست آمد.

1. Luhtanen and crocker collective self-esteem (CSES)

2. validity

3. reliability

رابطه حرمت خود جمعی و هویت ملی در دانشجویان

۲. پرسشنامه هویت ملی و نفی هویت ملی^۱. این پرسشنامه دارای ۱۴ سؤال برای هویت ملی و ۱۴ سؤال برای نفی هویت ملی است. این دو مقیاس ۱۴ سؤالی، پس از تشکیل گروه متمرکزی متشکل از صاحب نظران و اساتید این حیطه، انتخاب و سپس با استفاده از تحلیل عاملی، روایی سازه آن تأیید شد. ضریب آلفای کرونباخ هویت ملی ۰/۹۵ و نفی هویت ملی ۰/۸۳ است (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ هویت ملی ۰/۸۶ و نفی هویت ملی ۰/۷۹ به دست آمد. هویت ملی به معنای پذیرفتن خود در قالب یک سرزمین، تاریخ و عناصر اجتماعی است و نفی هویت ملی قبول نکردن هویت ملی فرد از سوی خودش است. شیوه اجرا: پس از آماده سازی پرسشنامه ها و انتخاب دانشکده ها، پرسشگران با هماهنگی مسئولان دانشکده و اساتید به کلاس های منتخب مراجعه و دانشجویان پرسشنامه ها را پر کردند.

یافته ها

دامنه سنی آزمودنی ها ۱۸-۲۴ سال بود. در جدول ۱ رشته تحصیلی آزمودنی ها برحسب جنس آمده است.

جدول ۱. رشته تحصیلی آزمودنی ها برحسب جنس

رشته	دختر	پسر	کل
فنی و مهندسی	۲۵	۷۷	۱۰۲
علوم پایه	۶۹	۴۳	۱۱۲
علوم انسانی	۸۱	۲۲	۱۰۳
پزشکی	۵۰	۵۳	۱۰۳
کل	۲۲۵	۱۹۵	۴۲۰

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
هویت ملی	۶۳/۰۷	۹/۷۴
نفی هویت ملی	۳۹/۸۴	۱۳/۴۳
حرمت خود جمعی	۷۹/۳۸	۱۱/۲۲
عضویت	۲۰/۳۵	۴/۰۵
حرمت خود خصوصی	۲۰/۹۸	۵/۰۴
حرمت خود عمومی	۱۸/۶۸	۲/۸۳
هویت	۱۹/۳۶	۴/۲۲

جدول ۲ بیانگر میانگین و انحراف استاندارد نمونه پژوهش در شاخص‌های هویت ملی و حرمت خود جمعی است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی هویت ملی با حرمت خود جمعی

عوامل متغیر	حرمت خود جمعی	عضویت	حرمت خود خصوصی	حرمت خود عمومی	هویت
هویت ملی	*۰/۱۵	۰/۰۹	*۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۱۱
نفی هویت ملی	**۰/۲۱-	۰/۰۸-	**۰/۲۴-	۰/۰۶-	*۰/۱۵-

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد نمره کلی هویت ملی با نمره کلی حرمت خود جمعی رابطه معنادار مثبت دارد. بدین معنا که هرچه هویت ملی افزایش یابد حرمت خود جمعی نیز افزایش می‌یابد. افزون بر این هویت ملی با خرده مقیاس حرمت خود خصوصی نیز رابطه معنادار و مثبت و حرمت خود جمعی با خرده مقیاس نفی هویت ملی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی هر چه میزان حرمت خود جمعی بالاتر باشد میزان نفی هویت ملی کاهش می‌یابد. خرده مقیاس نفی هویت ملی با خرده مقیاس‌های حرمت خود خصوصی و میزان هویت رابطه منفی و معنادار دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون t گروه‌های مستقل جهت مقایسه دختران و پسران

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t
هویت ملی	دختران	۶۴/۲۶	۹/۳۴	۴۰۶/۳۵	۲/۳۰ *
	پسران	۶۱/۴۵	۱۰/۰۸		
نفی هویت ملی	دختران	۳۸	۱۳/۱۱	۴۰۳/۷۴	-۲/۶۲ **
	پسران	۴۲/۳۶	۱۳/۴۷		
حرمت خود جمعی	دختران	۷۹/۸۱	۱۱/۵۲	۴۱۵/۰۹	۰/۷۲
	پسران	۷۹/۸۰	۱۰/۸۲		
عضویت	دختران	۲۰/۱۵	۴/۴۳	۴۰۹/۷۵	-۰/۹۷
	پسران	۲۰/۶۳	۳/۴۶		
حرمت خود عمومی	دختران	۱۸/۹۰	۲/۸۵	۴۰۹/۷۹	۱/۵۲
	پسران	۱۸/۳۶	۲/۷۹		
حرمت خود خصوصی	دختران	۲۰/۹۰	۳/۸	۴۱۶/۵۲	-۰/۲۸
	پسران	۲۱/۰۹	۶/۳۷		
هویت	دختران	۱۹/۸۴	۴/۳۱	۴۰۵/۷۱	۲/۱۸ *
	پسران	۱۸/۷۱	۴/۰۳		

جدول ۴ نشان می‌دهد میزان هویت ملی در دختران بیش از پسران و میزان نفی هویت ملی در پسران بیش از دختران و در خرده مقیاس هویت تفاوت بین پسران و دختران معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد با افزایش هویت ملی، حرمت خود جمعی نیز افزایش می‌یابد. اگر چه مطالعه‌ای با این موضوع در ادبیات پژوهشی یافت نشد، اما نتایج این پژوهش را می‌توان تا حدودی همسو با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های سیمن (۲۰۰۷) و لی (۲۰۰۶) دانست. چنانچه که سیمن (۲۰۰۷) به این نتیجه رسید که حس تأیید شدن و تعلق داشتن به یک گروه قومی، به افزایش حرمت خود جمعی منتهی خواهد شد. همچنین لی (۲۰۰۶) نشان داد احساس تعلق و ارزشمندی نسبت به گروه اجتماعی که فرد در آن عضویت دارد و وفاداری به فرهنگ خود، حرمت خود جمعی بالاتر را در پی دارد. احساس حرمت خود جمعی منجر به بهزیستی روان‌شناختی، احساس شادی، سطوح پایین افسردگی و ناامیدی می‌شود (جتن و همکاران، ۲۰۰۲). از این رو، با افزایش احساس هویت ملی - که تعلق افراد به گروهی را منعکس می‌کند که دارای سرزمین، تاریخ، عناصر اجتماعی فرهنگی مشترک هستند - می‌توان حرمت خود جمعی و به تبع آن احساس حرمت خود جمعی را افزایش داد. به نظر می‌رسد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی و قومی چون متون، تاریخ و فرهنگ ایرانی می‌توان به نتایج قابل توجهی در حیطة افزایش حرمت خود جمعی و به تبع آن احساس رضایت و بهزیستی شخصی و کاهش احساسات فاعلی ناخوشایند دست یافت.

افزون بر این، حرمت خود جمعی با نفی خرده‌مقیاس هویت ملی رابطه منفی و معناداری داشت. چنان‌که با افزایش حرمت خود جمعی، نفی هویت ملی در افراد کاهش می‌یابد. این یافت تأییدکننده رابطه مثبت هویت ملی و حرمت خود جمعی نیز هست. رابطه مثبت و معنادار هویت ملی و خرده‌مقیاس حرمت خود خصوصی از مقیاس حرمت خود جمعی تأیید دیگری بر یافته اصلی پژوهش است. زیرا حرمت خود خصوصی انعکاس‌دهنده باورهای فرد نسبت به گروه‌هایشان و احساسات و ارزیابی‌های اشخاص به عنوان بخشی از گروه‌های اجتماعی است و هویت ملی نیز به معنای تعلق افراد به سرزمین، تاریخ و عناصر اجتماعی فرهنگی مشترک است. از این رو، به نظر می‌رسد این مؤلفه‌ها از نظر مفهومی شباهت بسیاری به یکدیگر دارند و رابطه مثبت بین آن‌ها چندان دور از انتظار نیست.

در این پژوهش خرده‌مقیاس نفی هویت ملی نیز با خرده‌مقیاس حرمت خود خصوصی رابطه منفی و معنادار داشت. همچنین نفی هویت ملی با خرده‌مقیاس هویت - که اهمیت عضویت در گروه اجتماعی و تأثیر آن بر تصور از خود را منعکس می‌کند - رابطه منفی و معنادار داشت. بدین معنا که عدم احساس تعلق به یک گروه فرهنگی با احساس عضویت در گروه اجتماعی رابطه منفی داشت.

به طور کلی می‌توان احساس هویت ملی را مؤلفه‌ای مهم در افزایش و بهبود حرمت خود جمعی دانست. حرمت خود جمعی نیز با بهزیستی روان‌شناختی و عوامل مرتبط با آن وابسته است. از این رو، می‌توان به این نتیجه رسید که با افزایش احساس هویت ملی، حرمت خود جمعی افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران، معلمان، جامعه‌شناسان، پژوهشگران و روان‌شناسان قرار گیرد. چنانچه با افزایش هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی، می‌توان افزایش چشمگیری را در مولفه دیگر انتظار داشت. سیاست‌گذاران حوزه آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی می‌توانند با افزایش حرمت خود جمعی، هویت ملی را افزایش دهند و احترام به سنت‌ها و ارزش‌های ملی را نهادینه سازند.

انجام این پژوهش در گروه دانشجویی، عدم اعتباریابی گسترده پرسشنامه حرمت خود جمعی، و دخیل نکردن متغیرهای واسطه‌ای و میانجی بین هویت ملی و حرمت خود جمعی از بزرگترین محدودیت‌های این مطالعه به شمار می‌روند. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سنین و گروه‌های دیگر تحولی و با استفاده از ابزارهای تکمیلی انجام شود. همچنین بررسی عوامل مؤثر بر هر یک از مفاهیم هویت ملی و حرمت خود جمعی و عوامل واسطه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. توجه به چگونگی رابطه بین این دو متغیر و چرایی رابطه نیز می‌تواند چشم‌اندازهای نوینی در این میان بگشاید.

منابع

رحیمی نژاد، عباس، و منصور، محمود. (۱۳۸۰). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۴(۳): ۴۹۹-۴۷۷.

حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: ساوالان.
لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۷(۵): ۴۴-۱۱.

Bailis, D. S., & Chipperfield, J. G. (2002). Compensating for losses in perceived personal control over health: a role for collective self-esteem in healthy aging, *Journal of Gerontology: psychological sciences*, 57(6): 531-539.

Bailis, D. S., Chipperfield, J. G., & Helgason, T. R. (2008). Collective self-esteem and the onset of Chronic Conditions and reduced activity in a longitudinal study of aging. *Social science & Medicine*, 66 (4): 1817-1827.

Bettencourt, B. A, Charlton, K., Eubanks, J., & Kernan. C. (1999). Development of Collective self-esteem among students: predicting adjustment to college. *Basic and Applied social psychology*, 21(3): 213-22.

- Bukovansky, M. (2000). National collective identity: social constructs and international systems, *American political science review*, 15 (2): 410-417.
- Constantine, M. G., Donnelly, P. C., & Meyers, L. (2002). Collective self-esteem and aficultural coping styles in African American adolescents. *Journal of Black studies*, 32(6): 698-710.
- Constantine, M. G., Donnelly, P. C., & Jamesmyers, L. (2002). Collective self-esteem and aficultural coping styles in African American adolescents. *Journal ob black studies*, 32(6): 698-710.
- Crocker, J., Luhtanen, R. Blaine, B., & Broadnax, S. (1994). Collective self-esteem & Psychological well-being amxy white, black, and Asian College students. *Personality and social Psychology Bulletin*, 20(2): 503-513.
- Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. (2003). Personality, culture and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluation of life, *Annual Review of psychology*, 54(1): 403-425.
- Jetten, J., Branscombe, N. R. & Spears, R. (2002). On being peripheral: effects of identity insecurity on personal and collective self-esteem. *Europen Journal of social Psychology*, 32(3):105-123.
- Lee, S. H. (2006). *Saliency of one's Heritage culture: Asian cultural values and its interconnections with collective self-esteem and Acculturation/ Enculturation as predictor of psychological well-being of people of Chinese Descent*. Dissertation for the degree doctor of philosophy. The Ohio state university. [http:// www. ohio. du](http://www.ohio. du).
- Levy, B. R., Slade, M., & Kasl, S. V. (2002). Longitudinal benefit of positive self-perceptions of aging on functional health. *Journal of gerontology: psychological science*, 57(2): 409-417.
- Luhtanen, R., & Crocker, J. (1992). A Collective self-esteem scale: self-evaluation of one's social identity. *Personality and social psychology Bulletin*, 18 (1): 302-318.
- Oishi, S., & Diener, E. (2001). Goals, culture and subjective well-being, *Personality & social psychology bulletin*, 27(12): 1674-1682.
- Ravenburg, N. (2000). Social identity theory and news portrayals of citizens involved in international affairs. *Media Psychology*, 2(4): 11-29.
- Semaan, G. A. (2007). *Arab American unveil the building blocks in the construction of our cultural identity*, Dissertation for psychological PhD Bowling Ren state University. <http://www.stcloudstate.edu>.
- Tajfel, H. (1981). *Human groups and social categories: studies of social psychology*. Cambridge: Cambridge University press.
- Tierney, S. (Ed.). (2000). *Accommodating national identity: New approach in international and domestic*, Boston: Kluwer law International.
- Tsai, J. L., Ying, Y. W., & Lee, P. A. (2001). Cultural predictors of self-esteem: A study of Chinese American females and male young adults. *Cultural Diversity & Ethnic Minority psychology*, 7(3): 284-297.
- Zhang, L., & Leung, J. P. (2002). Moderating effects of gender and age on the relationship between self-esteem and life satisfaction in mainland Chinese. *International Journal of psychology*, 37(2): 83-91.